



ویرایش اول

دستور زبان ترکی استانبولی

مرتضی عبدی

TÜRKÇE

DİL BİLGİSİ

MORTEZA ABDI

دستور زبان ترکی استانبولی

چون بیاموزی زبان دیگری جز مادری
برگشایی روی خود دروازه‌های دیگری

مؤلف: مرتضی عبدی

morteza.abdi@gmail.com

فهرست مطالب

۱- پیش گفتار	۱
۱/۱ توصیه‌های مؤلف برای یادگیری زبان ترکی استانبولی	۱
۱/۲ کلام آخر	۱۲
۲- کلیات زبان ترکی	۱۴
۲/۱ زبان یک عامل اجتماعی تحول‌پذیر	۱۶
۲/۲ زبان گفتار – زبان نگارش	۱۷
۲/۳ زبان و کلمات بیگانه	۱۹
۲/۴ ترتیب کلمات (در جمله)	۲۲
۲/۵ درباره ویژگی‌های عمومی زبان‌های ترکی	۲۴
۲,۵,۱ الف-جنبه پیوندی یا پیوندی	۲۵
۲,۵,۲ توالی پیوندها	۲۷
۲,۵,۳ هماهنگی اصوات	۲۷
۲,۵,۴ کوتاهی مصوت‌ها	۲۸
۲,۵,۵ نبودن علامت جنس	۲۸
۲,۵,۶ تنوع و نظم افعال	۲۸
۲,۵,۷ ریتم (وزن)	۲۹
۳- نتیجه	۳۱
۴- مبحث اصوات (Fonetik)	۴۴
۴/۱ حروف-الفبا (Alfabe)	۴۵
۴,۱,۱ زبان ترکی استانبولی و الفبای موجود فارسی	۴۶
۴,۱,۲ الفبای زبان ترکی استانبولی	۴۷
۴,۱,۳ تمرین تلفظ	۵۱
۴/۲ اصوات (Sesler)	۶۱
۴,۲,۱ زبان ترکی استانبولی زبان کوتاه مصوت	۶۲
۴,۲,۲ مصوت ترکیبی	۶۳
۴,۲,۳ اصوات مصوت، اصوات صامت	۶۴
۴/۳ هماهنگی و تطابق مصوت‌ها (Ünlü Uyumları)	۷۰
۴,۳,۱ الف تطابق خشن و ظریف (Kalınlık-incelik uyumu)	۷۱
۴,۳,۲ ب هماهنگی مصوت‌های راست و گرد (düzlük-yuvarlaklık uyumu)	۷۷
۴,۴ رخدادهای صوتی (Ses Olayları)	۷۸
۴,۴,۱ وصل (ulama)	۷۸
۴,۴,۲ تلفیق (Kaynaşma)	۷۹
۴,۴,۳ تکیه (Vurgu)	۸۱
۴,۴,۴ تقسیم هجایی	۸۱
۴,۴,۵ حذف حروف مصوت (Ünlü düşmesi)	۸۱
۴,۴,۶ یکی شدن مصوت (Ünlü birleşmesi)	۸۶

۸۶	تغییر حروف صامت (Ünsüz Sertleşmesi)	۴,۴,۷
۹۲	حالت تشابه (Benzeşme)	۴,۴,۸
۹۴	حالت تبدیل (Aykırılma)	۴,۴,۹
۹۵	حالت جابه‌جایی (Göçüşme)	۴,۴,۱۰
۹۵	حذف حروف صامت (Ünsüz düşmesi)	۴,۴,۱۱
۹۶	صامت‌های دوتایی	۴,۴,۱۲
۱۰۰	۵- ساختمان شکلی کلمات (Kök ve ekler)	
۱۰۰	۵/۱ ریشه (kök)	
۱۰۳	ریشه‌های اسمی (İsim (Ad) Kökleri)	۵,۱,۱
۱۰۴	ریشه‌های فعلی (Fiil (Eylem) Kökleri)	۵/۱,۲
۱۰۵	ریشه‌های هم‌آوا (Sesteş Kökler)	۵,۱,۳
۱۰۵	ریشه‌های مشترک (Ortak Kökler)	۵,۱,۴
۱۰۶	۵,۲ پیوندها (EKLER)	
۱۰۸	اشکال صوتی پیوندها	۵,۲,۱
۱۱۶	پیوندهای توصیفی (Yapım ekleri)	۵,۲,۲
۱۱۸	پیوندهای تصریفی (Çekim ekleri)	۵,۲,۳
۱۴۰	اصل توالی پیوندها	۵,۲,۴
۱۴۰	اصوات کمکی	۵,۲,۵
۱۴۳	۶- میحث کلمات (Sözcük bilgisi)	
۱۴۴	۶/۱ بنیاد صوتی کلمات	
۱۴۵	۶/۲ نقش اصوات مصوت در ساختمان هجا	
۱۴۵	۶/۳ هجاهای باز، هجاهای بسته	
۱۴۶	۶/۴ انواع هجاها	
۱۴۷	۶/۵ تکیه (Vurgu)	
۱۴۸	۶/۶ اقسام کلمه از نظر مدلول و معنی	
۱۵۰	۶,۶,۱ اسم (Ad)	
۱۵۵	۶,۶,۲ صفت (Sıfat)	
۱۸۸	۶,۶,۳ قیدها (Zarflar):	
۲۰۵	۶,۶,۴ ضمیر (ZAMİR)	
۲۲۰	۶/۶,۵ ادات یا کلمات کمکی (Edat)	
۲۲۱	۶,۶,۶ ادات وصل (İLGEÇLER)	
۲۳۱	۶,۶,۷ ادات ربط یا حرف ربط (Bağlaç)	
۲۶۹	۶,۶,۸ ندا (Ünlem)	
۲۷۱	۶,۶,۹ افعال (FiİLLER)	
۳۳۹	۶,۶,۱۰ اسم مصدر (Fiilimsi)	
۳۶۱	۶/۷ اشکال ساختمانی کلمه (Yapısına göre sözcükler)	

۳۶۱	کلمات ساده (Basit sözcükler)	۶,۷,۱
۳۶۱	کلمات پیوندی (Türemiş sözcükler)	۶,۷,۲
۳۸۵	کلمات مرکب (Birleşik sözcükler)	۶,۷,۳
۳۹۱	جمله (Cümle)	۷
۳۹۲	۷/۱ اقسام جمله از نظر نوع فعل	۷,۱,۱
۳۹۲	جمله فعلی (Fiil Cümlesi)	۷,۱,۱
۳۹۳	جمله اسمی (İsim Cümlesi)	۷,۱,۲
۳۹۵	۷/۲ اقسام جمله از نظر حیث نظم	۷,۲,۱
۳۹۵	۱ - جمله مستقیم یا دستورمند: (Kurallı (Düz) Cümle)	۷,۲,۲
۳۹۵	جمله غیر مستقیم یا نا دستورمند: (Devrik Cümle)	۷,۲,۳
۳۹۷	جمله ناقص (Eksiltili Cümle)	۷,۳
۳۹۸	۷/۳ اقسام جمله از لحاظ پیام:	۷,۳,۱
۳۹۸	جمله مثبت (Olumlu Cümle)	۷,۳,۲
۳۹۹	جمله منفی (Olumsuz Cümle)	۷,۳,۳
۴۰۰	جمله پرسشی: (Soru Cümlesi)	۷,۳,۴
۴۰۴	جمله امری: (Emir Cümlesi)	۷,۳,۵
۴۰۵	جمله عاطفی (Ünlem Cümlesi)	۷,۳,۶
۴۰۶	جمله شرطی (Şart Cümlesi)	۷,۳,۷
۴۰۷	جمله آرزویی (İstek Cümlesi)	۷,۳,۸
۴۰۸	جمله وجوبی (Gereklilik Cümlesi)	۷/۴
۴۰۸	جمله از نگاه ساختار (Yapı bakımından cümleler)	۷,۴,۱
۴۰۸	جمله ساده (Basit cümle)	۷,۴,۲
۴۰۸	جمله مرکب (Birleşik Cümle)	۷,۴,۳
۴۱۲	جمله ترتیبی (Sıralı Cümleler)	۷,۴,۴
۴۱۴	جمله وابسته (Bağlı Cümle)	۸- کارگاه ترجمه
۴۱۶	۹- نمودار صرف افعال	۱۰- جدول افعال نسبت به فاعل
۴۳۶	۱۱- مکالمات روزمره ترکی	۱۱/۱ ۳۰ ضرب المثل و اصطلاح جالب در ترکی استانبولی
۴۵۶	۱۲- واژه‌های مربوط به دستور زبان	۱۲/۱ ترکی - فارسی
۴۶۴	۱۲/۲ ترکی - انگلیسی	۱۲/۳ ترکی - فرانسوی
۴۷۹	۱۲/۴ ترکی - آلمانی	
۴۸۵		
۴۸۵		
۴۹۷		
۵۱۳		
۵۲۶		

تقديم

همه کسانی که برای یاد دادن عشق می‌ورزند و همچون شمعی برای روشن ساختن

جامعہ می سوزند.



به نام خدا

۱ - پیش گفتار

بسیاری از نویسندگان معروف که امروزه ما در استقراء قواعد دستور از آثار آنان مثال می‌آوریم، دستور نخوانده بوده‌اند و دستور نمی‌دانسته‌اند. اما با تمرین و ممارست و دقت و غور در آثار نویسندگان دیگر و طبیعت زبان که در محاورات اکثریت مردم تجلی می‌کند، روح زبان را دریافته و آن را به درستی به کار برده‌اند. این سخنان درست است؛ اما بدان معنی نیست که دانش‌آموزان و دانشجویان نیازی به فراگیری دستور ندارند؛ زیرا برای شناخت درست و علمی زبان و برای جلوگیری از نابسامانی و گزینش‌های نابجای واژه‌ها و عمل کرد درست در واژه‌سازی در مقابل مفاهیم جدید که وارد جامعه می‌شوند یا در جامعه پدید می‌آیند و نیز در مدارس و سازمان‌های انتشاراتی برای توجیه و روشننگری تصحیحاتی که در نوشته و مقاله‌ها و کتاب‌ها به عمل می‌آید و نیز برای سهولت یادگیری زبان‌های بیگانه، آموختن دستور، اگر ضرورت نداشته باشد، سودمند است، و سودمندی آن در حدی است که ما را وادار می‌کند دستور یاد بگیریم و درست هم یاد بگیریم؛ به همین خاطر در این کتاب سعی شده است به شکل جامع به نکات دستوری زبان ترکی استانبولی اشاره شود.

۱/۱ توصیه‌های مؤلف برای یادگیری زبان ترکی استانبولی

اگر می‌خواهید به خوبی زبان ترکی استانبولی صحبت کنید باید در روش و برنامه روزمره زندگی خود را تغییراتی به وجود دهید بیاورید برای مثال نمونه‌ای از اقداماتی را که می‌بایست در برنامه روزمره خود بگنجانید به طور خلاصه در اینجا آورده شده است.

کافی است روزانه یک ساعت مجلات، مقالات و یا بهتر است کتاب ترکی زبان را مطالعه کنید و معنای لغات را از فرهنگ لغت جستجو کنید.

می‌توانید از یک منبع صوتی بهره ببرید و برخی کلماتی را که متوجه نمی‌شوید با تکرار و بارها تکرار تلفظ آن را درک کنید.

می‌توانید یک نامه ترکی استانبولی بنویسید و یا کلمات ترکی استانبولی را در اینترنت جستجو کنید تا مطمئن شوید آیا این کلمات به درستی به کار رفته شده‌اند یا خیر.

حتی می‌توانید با قدم زدن در خیابان به اشیاء و یا هر چیزی که در اطرافتان می‌بینید تفکر کنید و آن را به زبان ترکی استانبولی برگردانید.

انگیزه برای فراگیری زبان ترکی استانبولی

چه چیزی برای فراگیری صحیح زبان لازم است؟

شاید شما همه‌ی نکات فراگیری زبان را بدانید، ولی اگر آن‌ها را اجرا نکنید، چیزی زیادی یاد نخواهید گرفت. واقعیت این است که اگر می‌خواهید به‌خوبی ترکی استانبولی صحبت کنید، باید کمی زندگی روزمره‌تان را تغییر دهید. در اینجا چند نمونه از کارهایی که می‌توانید انجام دهید آورده شده است:

می‌توانید روزی یک ساعت یک کتاب به زبان ترکی استانبولی را مطالعه کنید و ساختارهای گرامری جملات را بررسی کرده و کلمات جدید را در یک فرهنگ لغت جستجو کنید. می‌توانید به یک منبع شنیداری (مثلاً یک نوار کاست یا یک س دی mp3 و...) گوش کنید و آن قسمت‌هایی که متوجه نمی‌شوید را آن‌قدر تکرار کنید تا آنچه گفته می‌شود را کاملاً درک کنید.

می‌توانید یک ایمیل به ترکی استانبولی بنویسید و مرتباً از یک فرهنگ لغت استفاده کنید و یا در اینترنت به جستجو بپردازید تا مطمئن شوید تمام کلمات به‌درستی به‌کاربرده شده‌اند.

هنگامی که در خیابان مشغول قدم زدن هستید درباره آن چیزهایی که می‌بینید با خودتان به ترکی استانبولی صحبت کنید.

به نظر شما چه کسی می‌تواند این کارهای ظاهراً عجیب و غیرعادی را انجام دهد؟ بله درست حدس زدید تنها و تنها کسی که از انجام دادن آن‌ها لذت می‌برد. اگر می‌خواهید به‌خوبی ترکی استانبولی بیاموزید، بایستی به همین شکل عمل کنید. مشکل اینجاست که همه‌ی زبان‌آموزها می‌خواهند خیلی خوب به ترکی استانبولی صحبت کنند، اما بیشتر آن‌ها نمی‌خواهند برای فراگیری آن (در تنهایی) وقت صرف کنند. کمبود انگیزه باعث می‌شود که زبان‌آموز حاضر نشود از وقت آزاد خود برای فراگیری زبان استفاده کند و یا اگر هم وقت می‌گذارد، نمی‌تواند به‌طور پیوسته و منظم آن را ادامه دهد.

تفاوت بین زبان‌آموزان معمولی و زبان‌آموزان با انگیزه

یک زبان آموز معمولی (فاقد انگیزه‌ی لازم) روز قبل از یک آزمون یا تست ترکی استانبولی ممکن است تا ۱۲ ساعت هم مطالعه کند، اما (برخلاف زبان آموزان با انگیزه) در روزهای بعد حاضر نخواهد بود روزی نیم ساعت هم به مطالعه‌ی یک کتاب ترکی استانبولی بپردازد. از نظر او آموزش ترکی استانبولی چندان لذت بخش نیست، بنابراین تنها زمانی که مجبور باشد به مطالعه می‌پردازد. مسئله این است که تنها مطالعه‌ی مستمر و روزمره (حتی اگر کوتاه باشد) باعث پیشرفت سریع شما می‌شود. نتیجه‌ی حاصل از یک مطالعه‌ی سخت و بی تداوم (مثلاً دو روز کامل قبل از امتحان) مأیوس کننده است، چون که ۹۰ درصد آنچه یاد گرفته شده پس از حدود یک ماه فراموش می‌شود. تنها مرور کردن پیوسته‌ی چیزها باعث به خاطر سپردن آن‌ها می‌شود و در غیر این صورت شما آن‌ها را فراموش خواهید کرد.

یک زبان آموز با انگیزه از فراگیری زبان لذت می‌برد و بنابراین وقت بیشتری روی آن می‌گذارد و آن را به طور منظم انجام می‌دهد. انگیزه‌ی بالا برای او امتیاز دیگری هم دارد و آن این است که به خاطر سپردن کلمات و ساختارهای گرامری آسان تر می‌شود، زیرا مغز انسان اطلاعات مربوط به چیزهای مورد علاقه اش را به راحتی به خاطر می‌سپارد.

افزایش انگیزه برای آموختن زبان

در اینجا فن‌هایی جهت افزایش انگیزه‌ی شما برای فراگیری یک زبان دیگر (در اینجا ترکی استانبولی) ارائه می‌شود:

خودتان را در آینده مجسم کنید

تصور کنید که مثل زبان مادری تان می‌توانید با ترک زبان‌ها هم صحبت کنید. تصور کنید که همه می‌خواهند مثل شما ترکی استانبولی صحبت کنند. فکر کنید که دیگر می‌توانید به راحتی با افرادی از سرتاسر ترکیه مکاتبه کنید. تصور کنید که وقتی آشنایان شما با مشکلی در زمینه‌ی زبان ترکی استانبولی مواجه می‌شوند، به شما مراجعه می‌کنند. این تصورات کمک می‌کنند تا انگیزه‌ی لازم برای فراگیری این زبان در شما شکل بگیرد. باید بدانید که شما می‌توانید به خوبی زبان ترکی استانبولی را بیاموزید و به آن مسلط شوید.

زبان شما هم اکنون خوب است ولی...

شما احتمالاً تا حدی به زبان ترکی استانبولی مسلط هستید و این خود یک موفقیت بزرگ است!

حالا باید به موفقیت‌های بزرگ‌تری فکر کنید. وقت آن رسیده است که از روش‌های مؤثر و کارآمد برای رسیدن به سطح قابل قبولی از دانش ترکی استانبولی استفاده کنید. درست است که ترکی استانبولی شما خوب است، ولی احتمالاً کامل نیست. شما احتمالاً هنوز نمی‌توانید فیلم‌های زبان اصلی را متوجه شوید، کتاب‌هایی به زبان ترکی استانبولی بخوانید، با ترک‌زبان‌ها به راحتی صحبت کنید، اخبار را متوجه بشوید و یا بدون اشتباه نامه بنویسید.

شما هرگز نباید تصور کنید که ترکی استانبولی شما کامل شده است. حتی اگر بهترین دانش‌آموز کلاستان هستید، همیشه باید به دنبال یافتن نقاط ضعف خود باشید و روی آن‌ها کار کنید. مثلاً، در حال حاضر ممکن است در این زمینه‌ها مشکل داشته باشید: عدم تلفظ صحیح بعضی از کلمات، دایره‌ی لغت محدود، مشکلات گرامری با مثلاً زمان حال کامل، جملات شرطی، پیوندها و...

هرکجا که می‌توانید از دانسته ترکی‌تان استفاده کنید

این یک نکته بسیار مهم است، هرچقدر بیشتر از دانسته‌های ترکی استانبولی‌تان استفاده کنید، بیشتر می‌خواهید که آن را یاد بگیرید.

زبان ترکی استانبولی آن قدر متداول است که شما می‌توانید در اکثر کشورهای ترک‌زبان کم‌وبیش از آن استفاده کنید؛ و یا مثلاً از موتور جستجوی گوگل و بینگ برای یافتن اطلاعات موردعلاقه‌تان در سایت‌های که زبان آن‌ها ترکی استانبولی است بهره بگیرید، کارتون‌های زبان اصلی را تماشا کنید، کتاب‌هایی به زبان ترکی استانبولی بخوانید و...

با انجام این کارها شما نه تنها آموزش و تفریح را باهم ادغام کرده‌اید، بلکه وقتی می‌بینید که فراگیری یک یا چند کلمه به شما این امکان را می‌دهد که برنامه زبان اصلی

مورد علاقه‌تان را متوجه شوید (بتوانید با دیگران مکاتبه کنید) قطعاً خواستار فراگیری لغات بیشتری خواهید شد.

با دیگران راجع به زبان ترکی استانبولی صحبت کنید

این یک روش ساده و درعین حال بسیار کارآمد است. شما معمولاً درباره‌ی چیزهایی صحبت می‌کنید که برایتان جالب باشد؛ اما برعکس آن هم درست است: اگر شما درباره‌ی یک موضوع خسته‌کننده صحبت کنید، کم‌کم به آن علاقه‌مند خواهید شد.

تصور کنید که چیزی را مطالعه می‌کنید که از آن نفرت دارید. مثلاً فرض کنید باینکه خسته و کسل هستید، مجبورید برای امتحان روز بعد خودتان را آماده کنید. شما دو گزینه پیش رو دارید: یا می‌توانید به دیگران بگویید که چقدر عذاب می‌کشید و یا می‌توانید با آن‌ها درباره‌ی چیزهایی که یاد گرفته‌اید صحبت کنید. اگر گزینه‌ی اول را انتخاب کنید تنها اوضاع خودتان را بدتر می‌کنید.

اما اگر گزینه‌ی دوم را انتخاب کنید و درباره‌ی آن موضوع خسته‌کننده صحبت کنید، کم‌کم نظر شما درباره‌ی آن عوض می‌شود و به موضوعی تبدیل خواهد شد که ارزش حرف زدن درباره‌ی آن را داشته باشد – یعنی یک موضوع جالب.

و اما در مورد زبان ترکی استانبولی: شما می‌توانید دوستانتان را با گفتن چند جمله‌ی به زبان ترکی استانبولی غافلگیر کنید! یا مثلاً می‌توانید به آن‌ها بگویید که امروز ۲۰ لغت جدید یاد گرفته‌اید. همیشه از پیشرفت‌هایتان با آن‌ها صحبت کنید. از آن‌ها بپرسید آیا معنی فلان کلمه را به ترکی استانبولی می‌دانند؟ اگر کسی در نزدیکی شما نیست، می‌توانید به دوستانتان تلفن کنید و یا ایمیل بزنید.

احتمالاً این چیزها برای دوستان شما هیچ اهمیتی ندارند، تنها چیزی که مهم است این است که وقتی شما درباره «ترکی استانبولی» صحبت می‌کنید، علاقه و اشتیاق شما نسبت به فراگیری آن بیشتر و بیشتر می‌شود.

دوستی پیدا کنید که به فراگیری ترکی استانبولی مشغول باشد

اگر بتوانید دوستی پیدا کنید که مانند خود شما در حال فراگیری زبان ترکی استانبولی و سطح معلوماتش نیز در حد شما باشد، در شرایطی بسیار ایدئال قرار خواهید گرفت، زیرا: کسی را خواهید داشت که بتوانید درباره «ترکی استانبولی» با او صحبت کنید. همان طور که در بالا اشاره شد، این گفتگوها علاقه‌ی شما به فراگیری زبان را افزایش خواهد داد. فراگیری زبان برای شما آسان تر خواهد شد، زیرا در این صورت می‌توانید اشکالتان را با دوستان در میان بگذارید. بیشتر به مطالعه‌ی ترکی استانبولی خواهید پرداخت، چون که می‌خواهید از دوستان بهتر باشید (رقابت).

شما باید به طور منظم با دوستان در تماس باشید. او باید در نزدیکی شما زندگی کند و یا به همان مدرسه، دانشگاه، یا محل کار شما بیاید. اگر نمی‌توانید چنین دوستی پیدا کنید، می‌توانید به راحتی کسی را از طریق شبکه‌های اجتماعی پیدا کنید. البته یک دوست مجازی هرگز نمی‌تواند جای یک دوست واقعی را برای شما پر کند، زیرا رقابت با کسی که او را به خوبی نمی‌شناسید دشوار است و این نوع گفتگوها اغلب دوامی ندارند.

کمی پول خرج کنید!

اگر پولتان را صرف خرید چیزی بکنید، از آن استفاده خواهید کرد. به عنوان مثال اگر شما یک راکت گران قیمت خریداری کنید احتمالاً هر روز بیرون می‌روید و بدمینتون بازی می‌کنید.

این قاعده برای فراگیری زبان نیز صادق است. اگر می‌خواهید اشتیاقتان را برای فراگیری زبان بالا ببرید، می‌توانید (به عنوان مثال) یک فرهنگ لغت نو، یک کتاب مصور به زبان ترکی استانبولی و یا یک سی دی مولتی مدیای آموزشی و یا یک اپلیکیشن خریداری کنید. این یک اصل ساده است: وقتی برای چیزی پول خرج می‌کنید، از آن استفاده خواهید کرد و بدین ترتیب سطح ترکی استانبولی شما ارتقاء پیدا می‌کند. توصیه‌ی ما این است که دوروبر خودتان را با انواع کتاب، سی دی، نوار و دیگر امکانات سمعی و بصری پر کنید. بدین ترتیب همیشه از انگیزه‌ی لازم برای فراگیری زبان برخوردار خواهید بود.

چرا شما به یک فرهنگ لغت خوب نیاز دارید؟

اگر شما یک فرهنگ لغت خوب تهیه کنید، از بیشتر زبان‌آموزهای دیگر جلو زده‌اید! شاید این باورنکردنی به نظر بیاید، ولی بیشتر افراد برای خرید یک فرهنگ لغت به یک کتابفروشی می‌روند و اولین فرهنگ لغت را که ببینند خریداری می‌کنند. این یک اشتباه بزرگ است! یک فرهنگ لغت بد دیر یا زود شما را با مشکل مواجه خواهد کرد و به هر ترتیب مجبور خواهید شد یک فرهنگ لغت دیگر خریداری کنید. آیا این بهتر نیست که از ابتدا یک فرهنگ لغت خوب تهیه کنید؟

خرید یک فرهنگ لغت خوب بسیار مهم است، زیرا:

یک فرهنگ لغت خوب راهنمای شما در مسیر فراگیری زبان خواهد بود، چراکه به شما لغت‌های جدید، نحوه تلفظ صحیح واژه‌ها و چگونگی به کار بردن آن‌ها را خواهد آموخت. زبان‌آموزان موفق از فرهنگ لغت‌هایشان همیشه و به‌طور مرتب استفاده می‌کنند: هنگام مطالعه یک کتاب، در کلاس‌های زبان، هنگام نوشتن ایمیل، موقع انجام تکالیف، هنگام جستجو در اینترنت و ...

این اولین، مهم‌ترین و درعین حال آسان‌ترین گام شما در راه آموزش زبان ترکی استانبولی است - برای خرید یک فرهنگ لغت به پول زیادی احتیاج ندارید (بسیار کمتر از هزینه کلاس‌های زبان).

خرید یک فرهنگ لغت برای شما مقداری هزینه در بر خواهد داشت و این چیز خوبی است! وقتی شما در راه فراگیری زبان پول خرج می‌کنید، درواقع انگیزه‌تان را برای تداوم آن دوچندان می‌کنید.

یک فرهنگ لغت خوب چه ویژگی‌هایی دارد؟

هنگامی که صحبت از فرهنگ لغت به میان می‌آید، افراد اغلب به یک فرهنگ لغت دوزبانه، فکر می‌کنند، مثلاً ترکی استانبولی به فارسی؛ اما باید بدانید که بهترین فرهنگ لغت برای زبان‌آموزها، فرهنگ لغت تک‌زبانه یا ترکی استانبولی به ترکی استانبولی است. البته منظور ما این نیست که نباید از فرهنگ لغت ترکی استانبولی به فارسی استفاده کنید، بلکه منظور این است که تأکید اصلی شما باید روی فرهنگ لغت ترکی استانبولی به ترکی استانبولی باشد. در بخش بعدی در مورد نحوه استفاده از فرهنگ لغت بیشتر توضیح

خواهیم داد، اما در اینجا به بیان ویژگی‌های یک فرهنگ لغت ترکی استانبولی به ترکی استانبولی می‌پردازیم.

در یک فرهنگ لغت ترکی استانبولی به ترکی استانبولی کلمات ترجمه نشده‌اند، بلکه به زبان ترکی استانبولی توضیح داده شده‌اند، بنابراین استفاده‌ی منظم از این نوع فرهنگ لغت‌ها باعث می‌شود به‌طور خودکار گرامر و لغات را به خاطر بسپارید. آن‌ها فایده‌ی دیگری هم برای شما دارند و آن این است که هنگامی که یک لغت را در فرهنگ لغت جستجو می‌کنید ممکن است با کلمات تازه‌تری هم مواجه شوید و بدین ترتیب در یک‌زمان چند لغت را فرامی‌گیرید.

به‌طور کلی یک فرهنگ لغت خوب باید اطلاعات زیر را به شما برساند:

توضیح معنی هر لغت به ترکی استانبولی
تلفظ صحیح لغت از طریق علائم فونتیک
نوع کلمه (صفت، فعل، قید، اسم و...)

ویژگی‌های دستوری یا گرامری کلمه (مثلاً قابل شمارش و غیرقابل شمارش بودن یک اسم و یا ریشه و پیوند فعل و...)

ترتیب قرارگیری لغات

جملات نمونه برای هر لغت

کلمات هم‌معنی و متضاد (بعضی از لغات)

یک فرهنگ لغت خوب علاوه بر اطلاعاتی که باید به شما برساند، باید از ویژگی‌های زیر هم برخوردار باشد:

توضیح معنی هر لغت باید نحوه‌ی به کار بردن هر لغت را برای شما بیان کند. به‌طور کلی تعاریف طولانی‌تر بهتر هستند، چون که اطلاعات بیشتری را به شما انتقال می‌دهند. متداول‌ترین اصطلاحات آورده شده باشد. خوب است که از تصاویر نیز استفاده شده باشد. گاهی یک تصویر را می‌توانید بهتر از یک تعریف درک کنید.

چطور از فرهنگ لغت استفاده کنیم؟

وقتی که یک لغت جدید را در فرهنگ لغتتان جستجو می کنید، یک علامت تیک (✓) در کنار آن قرار دهید. در این صورت می توانید هر موقع که به صفحه ای «تیک دار» مراجعه می کنید، نگاهی سریع به کلمه ی موردنظر بیندازید تا ببینید آیا می توانید معنی آن را به خاطر بیاورید. به این ترتیب لغات آموخته شده همیشه جلوی چشمان شما خواهند بود. هنگامی که در یک متن با لغت جدیدی روبرو می شوید، ابتدا سعی کنید معنی آن را از روی متن حدس بزنید، سپس به یک فرهنگ لغت مراجعه کنید تا ببینید آیا حدس شما درست بوده است یا نه.

تنها به خواندن تعاریف اکتفا نکنید. جملات نمونه حتی از تعاریف هم مهمتر هستند، چون که آنها به شما نشان می دهند که چگونه یک لغت (یک اصطلاح) به کار برده می شود و اغلب به شما کمک می کنند تا معنی یک کلمه را بهتر درک کرده و به خاطر بسپارید. گاهی اوقات توضیح معنی یک لغت آن قدر سخت و پیچیده به نظر می رسد که جملات نمونه تنها راه درک معنی آن است.

به خاطر داشته باشید که بسیاری از کلمات بیش از یک معنی دارند. اولین معنی در فرهنگ لغت همیشه آن چیزی نیست که شما به دنبال آن هستید. شما باید معانی دیگر را هم از نظر بگذرانید تا مطمئن شوید کدام معنی به لغت موردنظر شما نزدیکتر است.

چرا فراگیری تلفظ برای زبان آموزان الزامی است؟

اولین تأثیرگذاری

وقتی که به ترکی استانبولی صحبت می کنید، تلفظ شما قطعاً اولین (و مهم ترین) چیزی است که افراد به آن توجه می کنند (و نه ساختارهای گرامری و لغاتی که بکار می برید). هنگامی که با کسی ملاقات می کنید و یکی دو جمله ی ترکی استانبولی به زبان می آورید، فکر می کنید که او بیشتر به چه چیزی توجه می کند؟ به لغاتی که به کار برده اید و یا ساختارهای گرامری آن؟ احتمالاً به هیچ کدام. او بیشتر به تلفظ شما دقت خواهد کرد. اگر نحوه ی تلفظ شما بد باشد او فوراً پیش خود فکر خواهد کرد که شما چقدر بد صحبت می کنید. تلفظ شما اولین تأثیرگذاری روی افراد محسوب می شود.

گفتگو

تلفظ خوب بایستی یکی از اولین مواردی باشد که در فرآیند آموزش ترکی استانبولی بدان می‌پردازید. شما بدون استفاده از لغات پیشرفته هم می‌توانید به سر ببرید - می‌توانید از لغات ساده برای بیان جملاتتان استفاده کنید. بدون گرامر پیشرفته هم می‌توانید به سر ببرید می‌توانید بجای آن از ساختارهای گرامری ساده استفاده کنید؛ اما چیزی به نام «تلفظ ساده» وجود ندارد.

نتایج تلفظ بد بسیار ناگوار است. حتی اگر موقع صحبت کردن از لغات و گرامر پیشرفته استفاده کنید، دیگران متوجه آنچه می‌خواهید بگویند نمی‌شوند.

آیا واقعاً می‌توانید به ترکی استانبولی با دیگران گفتگو کنید؟

تقریباً همه‌ی زبان‌آموزان می‌گویند: «من نیازی به یادگیری تلفظ ندارم. من فقط می‌خواهم که بتوانم ترکی استانبولی صحبت کنم.» بسیاری از آن‌ها گمان می‌کنند که می‌توانند به راحتی به ترکی استانبولی صحبت کنند، چون که آن‌ها می‌توانند با معلمشان و زبان‌آموزان دیگر صحبت کنند.

اشتباه نکنید! باید به خاطر داشته باشید که:

معلم شما سال‌ها به شنیدن ترکی استانبولی بدعادت کرده است (مگر این‌که ذاتاً اهل ترکیه باشد). او بهتر از بقیه‌ی افراد می‌تواند آنچه می‌گویید را درک کند. اغلب هم‌کلاسی‌ها و زبان‌آموزان دیگر مانند شما صحبت می‌کنند و همان اشتباهات شمارا مرتکب می‌شوند؛ بنابراین درک آنچه می‌گویید برای آن‌ها راحت است.

بهترین راه برای اینکه مطمئن شوید که می‌توانید به خوبی ترکی استانبولی صحبت کنید این است که با یک ترکی استانبولی زبان صحبت کنید. اگر او متوجه شد که چه می‌گویید، تازه آن وقت است که می‌توانید ادعا کنید که خوب حرف می‌زنید و این امر امروزه با گسترش شبکه‌های اجتماعی به سهولت در دسترس است.

متأسفانه بسیاری از زبان‌آموزان تلفظ را نادیده می‌گیرند. آن‌ها وقتی می‌بینند که می‌توانند به راحتی در کلاس‌های زبان گفتگو کنند، گمان می‌کنند که واقعاً خوب حرف می‌زنند؛ اما

اگر روزی پیش بیاید که بتوانند با یک ترک‌زبان صحبت کنند، می‌بینند که او متوجه حرف‌های او نمی‌شود. تازه آن وقت است که متوجه می‌شوند چقدر تلفظشان بد است.

مکالمه به‌تنهایی کافی نیست

اگر می‌توانید با افراد ترک‌زبان به‌راحتی گفتگو کنید، باید به شما تبریک گفت! این یک موفقیت بزرگ برای شما محسوب می‌شود؛ اما این کافی نیست. حتی اگر ترک‌زبان‌ها متوجه صحبت‌های شما شوند، این بدین معنی نیست که شما اصلاً لهجه‌ی خارجی ندارید. اگر شما لهجه‌ی غلیظی داشته باشید هیچ‌کس نخواهد گفت که شما خوب ترکی استانبولی صحبت می‌کنید.

اگر شما روی تلفظتان کار کنید سرانجام خواهید توانست به‌خوبی صحبت کنید. به‌عنوان مثال شما می‌توانید اصوات ترکی استانبولی را بیاموزید، به قطعه‌های ضبط‌شده گوش دهید، فیلم‌های زبان اصلی تماشا کنید، ترانه گوش دهید و...، کاری که بیشتر زبان‌آموزها انجام نمی‌دهند.

چگونه تلفظ ترکی استانبولی را فراگیریم؟

۱- اصوات ترکی استانبولی را بیاموزید

در زبان ترکی استانبولی اصواتی وجود دارند که در کمتر زبانی یافت می‌شوند. به‌عنوان مثال حرف ö، ü و ı به‌ندرت در زبان‌های دیگر شنیده می‌شوند.

بنابراین شما باید:

۱- همه‌ی اصوات ترکی استانبولی را بشناسید.

۲- دقت کنید که آن‌ها چگونه در کلمات و جملات واقعی به گوش می‌رسند.

۱/۲ کلام آخر

طبیعتاً هیچ اثری عاری از سهو و خطا نیست. به یقین دوستان، دستورنویسان دانشمند و استادان زبان شناس در آن، کاستی‌ها و لغزش‌های فراوان خواهند یافت. امید است در آنچه از این دست می‌یابند با اغماض ننگرند و خطاپوشی نکنند؛ بلکه اشتباهات را گوشزد نگارنده کنند تا اگر عمر و فرصت و توفیقی باشد در ویرایش‌های بعدی در رفع آن‌ها بکوشد و کتاب را به اصلاح آرد. باشد که از این راه بتواند گامی اگرچه خُرد در گسترش و اعتلای زبان ترکی بردارد. شایان ذکر است در تهیه و تدوین این مختصر، مآخذ متعدد و مختلفی که مستقیماً مربوط به موضوع بوده و یا در روشن شدن آن می‌توانست مفید واقع شود، مورد مراجعه و بررسی قرار گرفته است. در میان این مآخذ علاوه بر زبان زندهٔ خلق، از آثار مشروح دانشگاهی گرفته تا ساده‌ترین چیزها و خودآموزهای درسی وجود داشته است. با وجود این، کتاب حاضر، به‌طوری‌که از اسم آن نیز برمی‌آید، در صورتی‌که بتواند چشم‌انداز درستی در موضوع مورد بحث به خوانندهٔ عزیز بدهد و مبنایی برای پژوهش‌های جامع‌تر بعدی باشد، نگارنده کوششی را که از این رهگذر متحمل شده است، مأجور خواهد یافت. و به‌عنوان کلام آخر از تمام دوستان و عزیزانی که مرا در تهیه و تنظیم این کتاب یاری نموده‌اند کمال سپاس گذاری را دارم.

مرتضی عبدی

آبان ۱۳۹۵

Morteza.abdi@gmail.com



۲ - کلیات زبان ترکی

زبان ترکی^۱ یکی از بارزترین و شاخص‌ترین زبان‌های دنیا از جهت صرف افعال متفاوت و کاربرد آن‌ها در زبان‌های مختلف و همچنین وجود واژه‌ها و اصطلاحات و لغات منحصر به فرد برای بیان احساسات، عملکرد و سایر موارد زبانی در سطح جهان بعد از عربی یکی از کامل‌ترین زبان‌ها به شمار می‌رود. از طرف دیگر تداخل واژه‌ها و کلمات عربی، فارسی، انگلیسی و فرانسه در طول زمان باعث شده که این زبان از نظر غنای کلمه‌ای و واژه‌ای در سطح قابل توجهی قرار بگیرد. بالغ بر شصت میلیون نفر در کشور ترکیه، گروه کثیری از ملت‌های بلغارستان، صربستان، رومانی، یونان، قبرس و کشورهای خاورمیانه و بیش از دو میلیون نفر افراد ساکن در آلمان، هلند، بلژیک، بریتانیا و استرالیا به زبان ترکی صحبت می‌کنند. زبان ترکی در ریشه به دو شاخه تقسیم می‌شود؛ اوغوزی و قپچاگی که زبان رایج اوغوزی دارای یک ریشه در ساختار جمله و بکار بردن کلمات دارد که به‌طور کلی لهجه‌های مختلف ترکی شامل قسمت غرب آسیای میانه، آذربایجان، ترکیه و قاقائوزهای رومانی و بلغارستان می‌شود، در این گروه جای دارد. بقیه لهجه‌های ترکی ریشه در ترکی قپچاگی دارند. این تمایز دلیلی بر عدم وجود ارتباط زبانی بین ملت‌های مختلف ترک نیست و غالب ترک‌زبان‌ها بیش از ۷۰ درصد از واژه‌های یکدیگر را می‌دانند و می‌توانند ارتباط زبانی برقرار کنند. به‌طوری‌که امروزه یک فرد ترک‌زبان و مخصوصاً آشنا به لهجه‌ها و زبان ترکی در صورت سفر به آمریکا و حضور در میان سرخ‌پوستان ملون جان می‌تواند به سهولت با آن‌ها ارتباط برقرار کند. زبان ترکی استانبولی نیز یکی از اعضای خانواده زبان «ترک» است که خود زیرمجموعه زبان «آلتیک»^۲ است که از جمله آن می‌توان به مغول، منچو و تنگو اشاره کرد. زبان ترکی استانبولی به همراه آذربایجانی (آذری)، ترکمنی و گگاوز، شاخه غربی خانواده زبان «ترک» را تشکیل می‌دهد.

۱۲۵ میلیون تن در سراسر جهان به زبان ترکی گویش می‌کنند که بیشتر آن‌ها در کمربند وسیعی، از بالکان گرفته تا ترکیه، قفقاز و شمال ایران (محل زبان آذربایجانی) تا آسیای میانه، قزاقستان و جنوب سیبری (محل زبان‌های ازبک، قزاق، ترکمن و قرقیز) و نیز در ولکا (محل زبان تاتار) پراکنده‌اند. اهالی سیبری به یکی از زبان‌های ترک موسوم به «یاکوت»^۳ تکلم می‌کنند. در حقیقت همان‌طور که «ژاکلین کورن فیل»^۴ نویسنده کتاب «ترکی و زبان‌های ترک» در سال

^۱ Turkish language

^۲ Altaic

^۳ Yakut

^۴ Jaklin Kornfilt

۱۹۹۰ خاطرنشان کرده است بیشتر از یک نفر از هر ۱۰ شهروند شوروی سابق، یک زبان مادری ترک دارد. علاوه بر این‌ها، باید به شمار انبوهی از جمعیت ترک‌زبان در شمال غربی چین اشاره که به زبان‌های «یوگور» و «قزاق» صحبت می‌کنند.

ساختار گرامری زبان ترکی با اکثر زبان‌های اروپایی کمی متفاوت است. البته این زبان بسیار منسجم و نظام‌مند است و همین امر موجب سهولت در فراگیری آن می‌شود، مشروط بر آنکه نوآموز از همان وهله نخست با مهم‌ترین ویژگی‌های ساختی آن آشنایی یابد. به عبارت دیگر این زبان دارای قواعد مختص به خود بوده که از بسیاری از جهات با سایر زبان‌های دیگر تشابهات زیادی داشته و در برخی از موارد از تفاوت‌های اندکی برخوردار است که این تفاوت از نقصان فنون علمی این زبان ناشی نمی‌شود؛ بلکه تفاوت‌های موجود به وجود نواقص گرامری و یا قواعدی زبان‌های دیگر برمی‌گردد. مکس مولر^۵ شرق‌شناس و زبان‌شناس معروف آلمانی درباره دستور زبان ترکی چنین می‌گوید:

“It is a real pleasure to read a Turkish grammar... The ingenious manner in which the numerous grammatical forms are brought out, the regularity which pervades the system of declension and conjugation, the transparency and intelligibility of the whole structure, must strike all who have a sense of that wonderful power of the human mind which has displayed itself in language”



ترجمه:

خواندن دستور زبان ترکی واقعاً لذت‌بخش است... روش مبتکرانه‌ای است که در آن گونه‌های بی‌شمار گرامری به وجود آمده‌اند. منظم و باقاعده بودن آن باعث شده سیستم صرف کلمات و ترکیب در آن فراوان باشد و شفافیت و قابل‌فهم بودن کل ساختار آن به ذهن همه کسانی که احساسی دارند، خطور می‌کند که قدرت ذهن بشر، خود را در زبان نشان داده است.

^۵ Max Müller

زبان ترکی در سیر تاریخی خود به اقتضای موقعیت جغرافیایی این خطه، از یک طرف با عناصر دیگر زبان ترکی قدیم و در درجه اول با زبان قپچاق، که به وسیله قبایل ترک زبان به این نواحی منتقل می شده الفت یافته و از طرف دیگر با زبان ها فارسی و کردی در جنوب و مغرب و زبان های گرجی و ارمنی و روسی در شمال و شمال غربی مجاورت و آمیزش پیدا کرده است. باینکه این الفت و آمیزش، موجب تأثیر لفظی متقابل این زبان ها در همدیگر گردیده باین همه زبان ترکی مانند هر زبان زنده دیگر، سیر تکاملی خود را بر اساس مشخصات ذاتی ویژه خود ادامه داده و ضمن این که زبان ادبی آن در ادوار مختلف، به علل تاریخی، تحت تأثیر و جاذبه زبان فارسی و از مجرای زبان فارسی در معرض نفوذ لغات و کلمات عربی قرار گرفته و از این رهگذر مقدار نسبتاً زیادی لغات مأنوس و نامأنوس فارسی و عربی در زبان ادبی آن راه یافته، باین حال سیر تکاملی زبان در اساس بر طبق مشخصات ذاتی آن دوام داشته و علاوه بر میراث ادبی کلاسیک، ادبیات فلکلوریک غنی و سرشاری از خود به جا گذاشته که یکی از شکوفاترین ادبیات فلکلوریک بوده که تأثیر آن در ادبیات خلق اقوام و ملل هم جوار مشهود و نمایان است.

دورنمای کلی و اجمالی فوق ایجاب می کند قبل از طرح مباحث اصلی دستور زبان ترکی به نکات و مسائل عمومی چندی به اختصار اشاره شود. اشاره به این نکات به آن جهت مفید و ضروری به نظر می رسد که افق دید ما را برای بررسی مباحث اصلی آماده تر خواهد ساخت.

این مسائل عبارت اند از: ۱- زبان یک عامل اجتماعی تحول پذیر ۲- زبان گفتار و نگارش ۳- زبان و کلمات بیگانه ۴- ترتیب کلمات (در جمله) ۵- درباره ویژگی های عمومی زبان های ترکی.

۲/۱ زبان یک عامل اجتماعی تحول پذیر

زبان پدیده اجتماعی ویژه ای است که به عنوان عامل الفت و وسیله مبادله اندیشه ها و مقاصد و آرا مابین افراد اجتماع عمل می کند. زبان حاصل زندگی جمعی انسان ها بوده و به مانند سایر نهادها و اشکال اجتماعی پایه پای تکامل جوامع بشری در تغییر و تحول است.

جریان تغییر و تحول تاریخی زبان در عین حال که تحت تأثیر قوانین عمومی تکامل اجتماع انجام می پذیرد، خصوصیت های ویژه ای برای خود دارد که ناشی از خصلت های اجتماعی زبان است. وجه تمایز بارز زبان از سایر اشکال و نمودهای اجتماعی در آن است که اولاً زبان در مقام مقایسه با آن ها عاملی پایدارتر و ثابت تر است؛ و به همین لحاظ هم تغییر و تحول آن نسبت به نمودهای دیگر به آرامی و تدریج انجام می گیرد و ثانیاً زبان برخلاف پدیده های اجتماعی دیگر که معمولاً به قسمتی از زندگی اجتماعی و در مرحله معینی از تاریخ تکامل جامعه تعلق دارند، با تمام

فعالیت‌های تجربی و فکری و حسی انسان در تمام ادوار تاریخی ارتباط دارد، جامعه رشد می‌یابد و پایه‌پای تکامل جامعه، دانش، هنر، فن، اقتصاد و سایر شئون زندگی نیز رشد و توسعه می‌پذیرند و این رشد و تکامل، مستقیماً در زبان منعکس می‌گردد و قالب‌گیری می‌شود.

زبان در دوران تغییر و تکامل تدریجی و ممتد ویژه خود، مانند هر پدیده تحول‌پذیر دیگری از قوانین و قواعد خاصی پیروی می‌کند که قوانین درونی یا ذاتی زبان خوانده می‌شود. این قوانین و قواعد که با خود زبان به وجود آمده و در بطن آن جان می‌گیرند پایه‌پای تکامل زبان نضج و استحکام گرفته و بر کلیه تحولات و تبدلاتی که در زبان رخ می‌دهد، نظارت می‌کنند.

قوانین ذاتی هر زبان، با پیدایش اشکال صوتی و لغات بنیادی آن زبان به وجود می‌آیند و در خارج از دایره آگاهی یا عدم آگاهی اشخاص بر وجود چنین قواعد و قوانین عمل می‌کنند. کما اینکه بینش دانش بشری بر وجود چنین قوانین در ادوار خیلی بعد اتفاق افتاده، درحالی‌که قوانین ذاتی زبان از روزی که زبان به‌عنوان وسیله محاوره و تبادل افکار و مقاصد به‌کاررفته وجود داشته است.

پیش از آنکه تکامل دانش بشری وجود قوانین ذاتی زبان را معلوم کند و درصدد ارزیابی تحولات زبان بر اساس این قوانین برآید و در حقیقت تا پیش از پیدایش زبان‌شناسی علمی، چنین تصویری وجود داشت که زبان‌ها صورتی ثابت و لایتغیر دارند و سعی عمده علمای صرف و نحو و لغت معطوف بر این می‌شد که صورت ثابت و به اصلاح «دست‌نخورده» زبان را ثبت کنند و هرگونه روگرداندن از آن را دلیل کفر و نادانی شمارند و کسانی را که ملزم به رعایت آن صور و اشکال نشوند، عامی و فرومایه خوانند. پیدایش زبان‌شناسی علمی، این امکان را به وجود آورد که زبان نه به‌عنوان یک پدیده ثابت و متحجر، بلکه به‌عنوان نمود اجتماعی ویژه تحول‌پذیر، مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

۲/۲ زبان گفتار - زبان نگارش

هر زبان به‌عنوان عامل دوستی و وسیله تفاهم مابین افراد اجتماع، معمولاً دو جناح متمایز دارد. به عبارت دیگر، انسان‌ها برای تفهیم احساس و اندیشه و مقصد خود، معمولاً از دو طریق استفاده می‌کنند: یکی طریق سخن گفتن، که از آن به‌عنوان زبان گفتار یا محاوره می‌توان نام برد و دیگری از راه نوشتن، که به آن نیز زبان نگارش یا کتابت می‌توان نام داد. بدین ترتیب هر زبان، به مثابه عامل الفت اجتماعی، دو جناح متمایز پیدا می‌کند. یکی زبان گفتار و دیگری زبان نگارش. البته باید متذکر بود که این دوگانگی میان زبان گفتار و نگارش جنبه نسبی داشته و تنها از لحاظ حدود

و نحوه عمل آن‌ها در نظر است وگرنه هر زبان نگارش در اصل از یک زبان گفتار به وجود آمده الزاماً متکی به آن است.

زبان گفتار یا زبان محاوره، همان زبانی است که اجماع مردم در محاورات و مکالمات روزمره خود به کار می‌برند. زبان تکلم هر قوم زبان طبیعی آن قوم است و به همین لحاظ از آن به عنوان زبان مادری و زبان خلق نیز نام برده می‌شود. زبان تکلم، به حکم قوانین ذاتی و به اقتضای شرایط تاریخی در ادوار مختلف تاریخ میان شاخه‌های مختلف یک قوم و ساکنان هم‌زبان یک سرزمین خصوصیات صوتی و شیوه‌های تلفظ و مفاهیم کمابیش ویژه‌ای پیدا می‌کند و از این رهگذر، لهجه‌ها و شیوه‌های مختلف زبان تکلم به وجود می‌آیند.

لهجه‌ها و شیوه‌های گوناگون زبان تکلم، در مرحله معینی از تحول اجتماعی هر قوم که بر آن می‌توان دوران پراکندگی نام داد به وجود می‌آیند و برای مدت کم‌وبیش طولانی که دوران استقرار روش فئودالی در جامعه را در برمی‌گیرد. منظره عمومی زبان گفتار آن قوم را به وجود می‌آورند. با القای رژیم فئودالی و دگرگون شدن چهره عمومی جامعه، لهجه‌ها و شیوه‌های مختلف زبان نیز جای خود را با یک زبان عمومی و مشترک گفتار عوض می‌کنند.

زبان نگارش یا کتابت زبانی است که انسان از آن برای ثبت و ضبط احساسات، اندیشه‌ها و نتایج مشاهدات و تجارب خود و انتقال آن به افراد هم‌زمان دوردست و به نسل‌های آینده استفاده می‌کند. زبان نگارش هر قوم، زبان مدنیت و فرهنگ و ادبیات آن قوم محسوب است؛ و از این لحاظ به آن زبان ادبی نیز می‌گویند.

زبان نگارش در هر قوم، در درجه اول مورد استفاده کسانی قرار می‌گیرد که خواندن و نوشتن بلد باشند و بنابراین در میان توده‌های انبوه هر قوم که در طول تاریخ از این نعمت محروم می‌مانند احساس‌ها، اندیشه‌ها و تجارب از مجرای زبان گفتار از سینه‌به‌سینه و از نسل به نسل انتقال یافته و از مجموع آن ادبیات شفاهی یا زبانی خلق به وجود می‌آید.

زبان ادبی هر قوم، بر اساس یکی از شیوه‌های تکلم همان قوم بنیاد می‌گیرد. از میان شیوه‌ها و طرز تکلم‌های مختلف، یک شیوه تکلم تحت تأثیر علل مختلف که در رأس آن مرکزیت و پیشرفتگی عمومی ناحیه رواج آن طرز تکلم نسبت به نواحی دیگر قرار دارد، موقعیت زبان نگارش را کسب می‌کند مانند لهجه تهران در زبان فارسی و یا لهجه ترکی در شهر استانبول که در ترکیه رواج دارد.

بدین ترتیب، هر زبان درعین حال که می‌تواند در قلمرو تکلم خود دارای لهجه‌ها و شیوه‌های تکلم متنوع باشد، معمولاً بیش از یک زبان ادبی نخواهد داشت. این زبان ادبی ضمن اینکه به یکی از

لهجه‌های تکلم بیشتر از سایر لهجه‌ها نزدیک‌تر خواهد بود ولی هرگز صد در صد عین آن نخواهد بود. زیرا زبان ادبی، اولاً بعد از ایجاد و ثبات، ضوابط و قواعد و اسلوب‌های بدیعی و فنی ویژه‌ای پیدا خواهد کرد که لهجه در دوران حیات خود از آن بی‌نصیب است. دیگر اینکه زبان ادبی در خارج از حدود گنجایش لهجه تکلم که بر اساس آن استوار گشته است، کلمات و تعبیرات دیگری نیز از سایر لهجه‌ها و شیوه‌های خویشاوند و همچنین زبان‌های بیگانه می‌پذیرد. به‌طوری‌که ممکن است حتی تحت شرایط تاریخی معین، مورد استیلای یک یا حتی چند زبان اجنبی قرار گیرد و به‌صورت یک زبان کاملاً ساختگی درآید مانند ترکی استانبولی که امروزه مورد تکلم قرار می‌گیرد. تفاوت و دوگانگی زبان نگارش با لهجه‌ها و شیوه‌ها گفتار، با نوسانات کم‌وبیش در تمام‌دورانی که جامعه در شرایط ازهم‌گسیختگی و عقب‌ماندگی فئودالی به سر می‌برد ادامه می‌یابد. در این شرایط، زبان ادبی در دایره‌های اجتماعی محدودی رواج دارد و اکثریت بزرگ مردم به علت عدم آشنایی با خواندن و نوشتن از به کاربردن آن محروم‌اند. زبان ادبی در اختیار افراد و قشرهایی قرار دارد که خود را در یک موقعیت برتر و فراتر می‌شمارند و از لهجه‌ها به‌عنوان زبان «عامیانه» و با خفت و حقارت نام می‌برند و آثاری را که احیاناً در لهجه‌ها به وجود می‌آید بی‌مقدار می‌شمارند. ولی با تکامل تاریخی جامعه و دگرگون شدن چهره اجتماع و در شرایط تعمیم فرهنگ و گسترش مطبوعات، روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون و اینترنت، زبان ادبی از خدمت قشرهای محدود جامعه رها شده و در خدمت اکثریت مردم جامعه گمارده می‌شود بنابراین، در کمیت و کیفیت آن تحولات اساسی رخ می‌دهند.

این تحولات اساسی، بیش از هر چیز، درزمینه نزدیک شدن زبان عامه به زبان ادبی خودنمایی می‌کند. زبان ادبی به ناگزیر حالت گرایش آشتی‌جویانه بی‌سابقه‌ای به زبان عامه نشان می‌دهد و برای ایجاد زبان گسترش‌یافته و تعمیم پذیرفته‌ای که حوائج نگارش و تکلم اکثریت بزرگ مردم را برآورد، به کوشش برمی‌خیزد. حاصل این کوشش، سرانجام به‌صورت پیدایش زبان نگارش و تکلم عمومی و واحد که در فرق و دوگانگی دو جناح زبان به‌مرور از میان برمی‌خیزد، جلوه‌گر می‌گردد.

۲/۳ زبان و کلمات بیگانه

دانش زبان‌شناسی، حتی مدت‌ها پیش از آنکه به شکل دانش مستقل و مدونی درآید، این موضوع را به تلویح و تصریح پذیرفته است که هیچ‌یک از زبان‌های موجود روی زمین زبان «سره و تمیز» نبوده و نمی‌تواند هم باشد. لغات و کلماتی که در نتیجه روابط و تأثیر متقابل زبان‌ها

مبادله می‌شوند، نه تنها در جرگه لغات ترکیبی زبان وارد می‌گردد، بلکه ممکن است به بنیاد لغوی زبان نیز راه یابند.

ملل و اقوامی که از دیرباز در جهان پا به عرصه هستی گذاشته‌اند، در عین حال که هر یک مراحل تاریخ اجتماعی و مدنی خود را به شکل خاصی پیموده‌اند، هیچ‌وقت به حالت انزوا و تجرید نزیسته، بلکه در حال ارتباط و مراوده با اقوام و ملل دیگر به سر برده‌اند. همین مسئله ارتباط و مراوده اجتناب‌ناپذیر ملل و اقوام، به‌تنهایی می‌تواند دلیل کافی برای تأثیر متقابل زبان‌های آن‌ها در یکدیگر باشد. در صورتی که در تاریخ هر قومی، در سیر مراحل رخدادهای گوناگونی از قبیل انفکاک، اختلاط، سلطه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، نقل و انتقال کانون‌های مدنیت و فرهنگ از یک نقطه به نقطه دیگر وجود داشته و در نتیجه بر حدود و میزان این تأثیر بیش از پیش افزوده است.

از این دیدگاه، دخول لغات بیگانه در زبان هر قوم و ملتی از یک طرف امری اجتناب‌ناپذیر و از طرف دیگر متناسب با سیر و تحول تاریخی و مدنی و در نتیجه با میزان تکامل و وسعت زبان آن قوم خواهد بود.

اصولاً، اصالت یک زبان بیش از آنکه در قبول یا عدم قبول این یا آن کلمه بیگانه باشد، در استحکام ساختمان و چوب‌بست لغات بنیادی، پابرجایی و استواری قواعد داخلی آن است و تنها با از هم پاشیدن ساختمان لغات بنیادی و فسخ قوانین درونی است که زبان اصالت خود را از دست می‌دهد و چه‌بسا از بین می‌رود.

زبان، در سیر عادی و طبیعی خود، وقتی ناگزیر به قبول لغات بیگانه می‌گردد که با پدیده‌ها و مفاهیم تازه‌ای روبه‌رو می‌شود و نمی‌تواند با پیوند و اشتیاق و ترکیب از الفاظ و عناصر موجود خود، مدلول و وجه‌تسمیه‌ای بر آن‌ها معلوم کند، در این صورت زبان لغت مربوط را از زبان‌های دیگر به عاریت می‌گیرد و منتها اثر این عاریت را معمولاً با مجزا ساختن لغت موردنظر از وابستگی‌های گرامری زبان اصلی و تعدیل و تغییر آن بر اساس قوانین صوتی و شکلی خود از بین می‌برد. به عبارت دیگر زبان لغت بیگانه را به صورت مجرد و به مثابه ماده خام پذیرفته و آن را وادار به پذیرش قواعد گرامری خود می‌کند. لغتی که به این شکل وارد زبان می‌شود، با قواعد خاص زبان تطبیق یافته و به اصطلاح قبول تابعیت می‌کند و بنابراین خللی هم بر استقلال زبان وارد نمی‌سازد.

علاوه بر حالت اجباری و اجتناب‌ناپذیر فوق، لغات بیگانه ممکن است به اشکال دیگر نیز وارد زبان شوند و این امر احتمال دارد در ادوار مختلف حیات زبان، به اقتضای اوضاع و عوامل خاص

روی دهد. در چنین مواردی به خصوص اگر لغت خارجی با مشخصات گرامری خود وارد زبان شده و این مشخصات را در داخل زبان نیز حفظ کند، استقلال زبان را مخدوش ساخته و در زبان حقوق کلنی برای خود تحصیل می‌کنند.

این اتفاق در دورانی که زبان ادبی و زبان عامه به‌طور جدا از هم به سیر تاریخی خود ادامه می‌دهند، اکثراً برای زبان ادبی رخ می‌دهد و باینکه غالباً با تصور و ادعای غنی کردن زبان توأم است، نتیجه آن درست در خلاف جهت این تصور و ادعا خواهد بود. زیرا این کلمات و لغاتی که بدون هیچ‌گونه لزوم و ضرورتی وارد زبان شده‌اند، مانند گیاهان هرزه آن را احاطه خواهند کرد و مانع از رشد و تحول طبیعی زبان خواهند بود.

البته وقتی جامعه به مرحله‌ای از تکامل می‌رسد که مسئله ایجاد زبان واحد عمومی مطرح می‌شود، زبان به حکم وظایف جدیدی که به عهده‌اش محول می‌گردد، آمادگی قطعی‌تری برای رها ساختن خود از قید کلمات و لغات ناموزون و مغایر با موازین داخلی خود ابراز می‌دارد. در همین مرحله است که یک عده از ادبا و دانشمندان و مجامع نیز با اندیشه تصفیه زبان از وجود لغات نامتجانس تماس پیدا می‌کنند. ولی کوشش این افراد و جوامع، وقتی مفید و مثمر خواهد بود که اقداماتشان در جهت درک و رعایت قواعد و موازین داخلی زبان بوده و متکی بر بدایع و زیبایی‌های زنده خلق باشد.

در همین راستا در زمان حکومت عثمانی در دوران مختلف برای از میان برداشتن اختلاف ژرفی که بین زبان مردم و زبان «ادبی» طبقات مرفه و بالای جامعه پدید آمده بود کوشش‌هایی صورت گرفت. این کوشش‌ها برای آن بود که زبان عثمانی از تعبیرات، اصطلاحات و لغات نامأنوس پاک گردد و رو به سادگی نهد. نخستین کوششی که در این راستا انجام گرفت مربوط به دوران اصلاحات (۱۸۷۸-۱۸۳۹ میلادی) است که در تاریخ ترکیه از آن به‌عنوان «دوران تنظیمات» یاد می‌شود. باینکه در این دوره برای پاک‌سازی و ساده کردن زبان عثمانی گام‌های مهمی برداشته شد، اما این روند ناتمام ماند. از سوی دیگر با غرب‌گرایی همه‌گیری که در این دوره پا به میدان نهاده بود، لغات بسیاری از زبان‌های اروپایی، به‌ویژه فرانسوی، به زبان عثمانی راه یافت.

مرحله دوم در ساده کردن زبان عثمانی با قیام «ترک‌های جوان» آغاز شد (۱۹۰۸ میلادی). در این مرحله نیز کوشش‌هایی که در جهت نزدیک کردن زبان عثمانی به زبان مردم صورت می‌گرفت بی‌نتیجه ماند و بدین ترتیب مسائلی که قرن‌ها گریبان گیر زبان ترکی شده بود همچنان حل نشده باقی ماند.

آغاز دوران جمهوری نقطه عطفی در پیشرفت و تکامل زبان ترکی بود. بعد از آنکه در سال ۱۹۲۳ رژیم سلطنتی به جمهوری تغییر یافت، اصطلاحات اساسی در زبان نیز شروع شد. ای اصطلاحات که تحت عنوان «انقلاب زبان» انجام گرفت از جمله منجر به تغییر الفبای ترکی از عربی به لاتین و تغییر نام زبان از «عثمانی» به «ترکی» شد. در سال ۱۹۳۲ مرکزی به نام «نهاد زبان ترک^۱»، که نوعی فرهنگستان زبان است، تأسیس شد که وظیفه‌اش انجام اصطلاحات در زبان، ساختن واژه‌های نوین و پاک کردن زبان ترکی از لغات و اصطلاحات بیگانه است. این نهاد با استخراج واژگان از کتیبه‌ها و یادمان‌های باستانی ترکی، زبان‌های خویشاوند و زبان‌ها و لهجه‌های مختلف ترکی اقدام به یافتن معادل‌های ترکی برای لغات بیگانه، و در صورت لزوم ساختن واژه‌های نوین بر اساس واژه‌های قدیمی و گاه مهجور ترکی کرد.

البته در کار اصلاح زبان برخی زیاده‌روی‌ها نیز صورت گرفت، از جمله جایگزینی کلمات جدید به جای کلمات مأخوذه که در زبان مردم پذیرفته شده بود، ساختن کلمات مجعول و غیره. از سوی دیگر مداخله غیرضروری در فرایند طبیعی تکامل زبان برای دست یافتن به موفقیت در کوتاه‌ترین مدت باعث ایجاد مشکلاتی شد. از جمله این مشکلات پدید آمدن نوعی اختلاف زبانی بین نسل‌ها بود. البته این مشکل امروزه بر اثر عواملی چون گذشت چندین دهه از شروع اصلاحات، تربیت چندین نسل با اصول نوین، پیشرفت و رواج وسایل ارتباط جمعی (مطبوعات، رادیو - تلویزیون، اینترنت) و... تا حد بسیار زیادی حل شده است.

۲/۴ ترتیب کلمات (در جمله)

زبان‌ها از نظر ساخت، ترتیب کلمات و یا جمله‌بندی بر اساس سه عنصر فاعل (S)، فعل (V) و مفعول (O) به سه الگوی متفاوت دسته‌بندی می‌کنند. ساخت SVO در زبان‌های فرانسوی، اسپانیایی و انگلیسی، ساخت SOV در فارسی، ترکی، ژاپنی و کره‌ای و ساخت VSO در عبری و ولزی معمول است.

ترتیب جمله که برجسته‌ترین جنبه دستوری زبان تلقی می‌شود در ساخت جملات معنادار نقش بنیادین دارد. برای اثبات این ادعا به دو جمله معنادار و بی‌معنی زیر توجه نمایید:

«شما در جستجوی چه چیز هستید؟»

«چیز در هستید چه شما جستجوی؟»

^۱ Türk Dil Kurumu

به هم‌ریختن ترتیب کلمات در مثال دوم، جمله را از نظر دستور زبان فارسی ثقیل و نامقبول کرده است. اما همیشه این‌طور نیست که الگوها، خشک و تغییرناپذیر باشند و یا اینکه بی‌بندوباری بر آن‌ها حاکم باشد و بتوان با آزادی کامل، ترتیب جملات را به هم‌ریخت. بلکه در محدوده‌ای قابلیت انعطاف و انطباق دارند. مثلاً همان‌طور که گفتیم الگوی متعارف ساخت جمله در زبان فارسی به صورت SOV (فاعل + مفعول + فعل) است مثلاً «احمد شیشه را شکست.» احمد فاعل، شیشه مفعول و شکست فعل است این الگو را تحت شرایطی که فضای گویشی و نوشتاری مشخص می‌کند می‌توان به OSV (مفعول + فاعل + فعل) تغییر داد: «شیشه را احمد شکست.»

الگوی SOV در زبان ترکی و فارسی نسبت به دیگر الگوهای زبانی انعطاف و دگرگونی بیشتری دارد یا به عبارتی، تغییرپذیرتر است. مثلاً گوینده ترک یا فارس زبان می‌تواند به آسانی با جابه‌جایی کلمات جمله، توجه خواننده را به مضمون اصلی جمله و یا به کلمه‌ای که نیازمند تأکید بیشتر است، معطوف کند. این از آنجا ناشی می‌شود که اولین کلمه جمله می‌تواند حامل مضمون اصلی جمله باشد و کلمه‌ای که بلافاصله بعد از فعل واقع می‌شود همانی است که گوینده بر آن تأکید می‌ورزد.

از ترکی مثال بزنیم: Ahmet elmayı yedi (احمد سیب را خورد) مضمون ساده و اصلی جمله این است که احمد اقدام به خوردن سیب کرده است و یا می‌تواند مؤید این نکته باشد که احمد سیب را خورد و نه موز را. اگر جمله را به Elmayı Ahmet yedi تغییر دهیم تأکید بر احمد است نه کس دیگر؛ و همین‌طور دو ساخت دیگر نیز می‌توان برای جمله فوق متصور شد:

Elmayı yedi Ahmet

Ahmet yedi elmayı

که البته گزینش هر یک از جملات فوق‌الذکر بستگی به سبک و شرایط دارد. به‌طور کل در زبان‌های هندواروپایی عنصر اصلی (مبتدا و خبر) در ابتدا قرار می‌گیرد و عناصر بعدی با ادات ربط به شکل حلقه‌های زنجیر به یکدیگر مربوط می‌شوند و اگر عناصر بعدی قطع شوند ساختمان جمله ناقص می‌شود. ولی در ترکی ترکیب عناصر کاملاً برعکس است یعنی باید ابتدا عناصر فرعی و ثانوی تنظیم و گفته شود، عنصر اصلی یا فعل هم در آخر قرار می‌گیرد. مثال از فارسی:

من به استانبول رفتم تا دوستم را ببینم که اخیراً از فرانسه آمده و در آنجا شش سال طب خوانده است.

همین مثال در ترکی:

Altı yıl tıp okuduktan sonra Fransa'dan yeni gelen dostumu görmek için İstanbul'a gittim.

جفری لوئیس در دستور خود اجزای جمله ترکی را به ترتیب زیر می‌شمارد:

۱- فاعل ۲- قید زمان ۳- قید مکان ۴- مفعول غیر صریح ۵- مفعول صریح ۶- قید و هر کلمه‌ای که معنی فعل را تغییر دهد ۷- فعل

هر چیز معین بر غیر معین مقدم است، یعنی اگر مفعول صریح معین باشد بر مفعول غیر صریح غیر معین مقدم می‌شود. مثال جمله ترکی مرتب چنین است:

Ressam geçen gün müzede izleyicilere resimlerini kendisi gösterdi.

فاعل	قید زمان	قید	مفعول	مفعول صریح	ضمیر	فعل
		مکان	غیر صریح			

نقاش روز گذشته در موزه تابلوهایش را به حضار، خودش نشان داد.

بعلاوه هر عنصری از جمله که به آن اهمیت بیشتری داده شود نزدیک فعل قرار می‌گیرد.

۲/۵ درباره ویژگی‌های عمومی زبان‌های ترکی

منظور از ویژگی‌های عمومی، آن دسته از جنبه‌ها و خصوصیت‌ها است که به‌طور مشترک در ساختمان لفظی و گرامری زبان‌هایی که از یک اصل و ریشه منشعب گشته و جبراً اعضای یک گروه خویشاوند محسوب می‌شوند، خودنمایی می‌کند. بررسی و ارزیابی این ویژگی‌ها، یکی از مسائل اساسی دستور زبان تطبیقی است و درعین حال جنبه‌های مترادف و متباین یک گروه خویشاوند را با گروه دیگر مشخص می‌سازد.

- کلمات ترکی هیچ‌گاه با دو همخوان شروع نمی‌شود.
- زبان ترکی دارای مفرد و جمع ولی فاقد تثنیه است. جمع، کاربرد زیاد ندارد.
- بن فعلی به‌تنهایی دارای ارزش امر مفرد است.
- صفت و قید از یکدیگر متمایز نیستند.
- فعل برای بیان مفاهیم گوناگونی مانند ضرورت، امکان و شرط و ... پیوندهای متعدد می‌گیرد.
- صفت مطلق قبل از اسم و مضاف‌الیه قبل از مضاف قرار می‌گیرد.
- حرف تعریف وجود ندارد.
- در صرف اسماء، پسوندهای ملکی به کار می‌رود.
- بعد از اعداد علامات جمع به کار نمی‌رود.
- در بسیاری از زبان‌های ترکی برای حرکت منفی، علامت مخصوصی وجود دارد.

- پسوند سؤال موجود است.
 - به جای حروف ربط از اشکال فعل استفاده می‌شود.
- ویژگی‌های عمومی موجود در زبان‌های ترکی را می‌توان به شکل زیر خلاصه کرد:

۲/۵/۱ الف-جنبه پیوندی یا پیوندی

اولین خصوصیت بارز و چشمگیری که در ترکیب ساختمانی کلمات و الفاظ زبان‌های ترکی به نظر می‌رسد، جنبه پیوندی یا پیوندی این زبان‌هاست. زبان‌های شناخته روی زمین از دیدگاه شکل ساختمانی کلمات و الفاظ به سه دسته تقسیم می‌شوند: زبان‌های تک‌هجایی، زبان‌های پیوندی یا پیوندی و زبان‌های تحلیلی.

در زبان‌های تک‌هجایی، کلمات از یک هجا به وجود می‌آیند و جمله از تسلسل یک‌رشته کلمات تک‌هجایی تشکیل می‌شوند و معنی آن در همان رشته تسلسل کلمات مفهوم می‌گردد. جریان تصریف و حالت پذیری که در زبان‌های دیگر به صورت افزودن پیوند و پیشوند و میان‌وند بر ریشه کلمات حاصل می‌شوند، در زبان‌های تک‌هجایی وجود ندارد. در این دسته از زبان‌ها کلمات اصولاً فاقد جنبه و استعداد ترکیب و تصریف هستند و جریان حالت پذیری در این زبان‌ها با دخالت کلمه دیگر عملی می‌گردد. زبان‌های چینی و تبتی و ژاپنی جزو این دسته از زبان‌ها هستند.

در زبان‌های پیوندی یا پیوندی، علاوه بر ریشه کلمات که از یک یا چند هجا تشکیل می‌یابند، ادات پیوندی وجود دارد. این پیوندها در زبان دو وظیفه مشخص انجام می‌دهند: یک دسته از آن‌ها با پیوستن به آخر ریشه‌ها کلماتی با مفاهیم مستقل و جداگانه به وجود می‌آورند و بدین وسیله بر میزان ذخیره کلمات بر زبان می‌افزایند و دسته دیگر، ضمن الحاق به آخر کلمات و الفاظ تصریف و حالت پذیری آن‌ها را در کلام میسر می‌سازند. در این دسته از زبان‌ها، رادیکال کلمه ثابت و تغییرناپذیر بوده و به سهولت از ادات پیوندی قابل تشخیص است. این زبان‌ها ممکن است پیشوندی یا پیوندی باشند؛ یعنی امکان دارد پیوندها به اول یا آخر ریشه‌ها الحاق شوند.

به عنوان مثال کلمه *ellerimde* (در دست‌های من) مرکب است از یک ریشه یعنی *el* (دست)، یک پیوند جمع *-ler*، یک پیوند ملکی برای اول شخص مفرد *-im* و پیوندی برای محل یا مکان یعنی *-de* (در). زبان‌های اورال - آلتی و از آن میان زبان‌های گروه ترکی، من جمله زبان ترکی استانبولی جزو زبان‌های پیوندی پیوندی هستند؛ یعنی در این گروه زبان‌ها پیوندها عموماً به آخر ریشه‌ها و کلمات افزوده می‌شوند.

زبان‌های تحلیلی نیز از الحاق پیوندها و پیشوندها به اول و آخر ریشه‌های یک یا چندهجایی تشکیل می‌شوند. منتها در جریان ترکیب و تصریف غالباً در ساختمان خود ریشه نیز دگرگونی‌هایی روی می‌دهد. بعضاً صوت یا اصواتی در داخل ریشه برای خود جا باز می‌کنند و در مواردی نیز شکل اولیه کلمه از هم می‌گسلد و چوب‌بست آن فرومی‌ریزد. در بعضی از زبان‌ها این درهم‌ریختگی به یک دگرگونی کامل مبدل می‌شود و هیچ اثر و نشانه‌ای از ریشه اصلی به‌جای نمی‌ماند. زبان‌های هندواروپایی و زبان‌های سامی و از این میان زبان‌های فارسی و عربی جزو این دسته از زبان‌ها هستند.

البته، به‌طوری‌که در بالا نیز اشاره شد، در این نوع زبان‌ها تغییرات و دگرگونی‌های حاصله یکسان و همانند نبوده و در زبان به‌صورت خاصی نمودار می‌شود. مثلاً در زبان فارسی ریشه اسامی عموماً تغییر پیدا نمی‌کند و اسم‌ها تصریف نمی‌شود، در عوض ریشه‌های فعلی به صور مختلف دگرگون می‌شوند درحالی‌که در زبان عربی ریشه‌های فعل‌ها و اسم‌ها هر دو دچار تبادلات می‌گردند. به مثال‌های زیر توجه کنید:

فارسی	انگلیسی	ترکی
ابر	Cloud	bulut
ابرها	Clouds	bulut-lar
ابرهای من	my clouds	bulut-lar-ım
در ابرهای من	in my clouds	bulut-lar-ım-da
آن‌کس یا چیزی که در ابرهایم هست	the one in my clouds	bulut-lar-ım-da-ki
آن‌کس یا چیزهایی که در ابرهایم هست	the ones in my clouds	bulut-lar-ım-da-ki-ler

فارسی	انگلیسی	ترکی
رفتم	I went	gittim
می‌روم	I go	giderim
رفته‌ام	I have gone	gitmişim
خواهم رفت	I will go	gideceğim
داشتم می‌رفتم	I was going	gidiyordum
دارم می‌روم	I am going	gidiyorum

۲/۵/۲ توالی پیوندها

یکی دیگر از جنبه‌های تمایز زبان‌های ترکی، اصل توالی منطقی پیوندها در این زبان‌هاست. به‌موجب این اصل، در زبان‌های ترکی از انواع پیوندها آنچه وظیفه ماهوی داشته و در معنی خود کلمه ایجاد تصرف کند، در فاصله نزدیک‌تر به ریشه و آنچه نقش خارجی داشته و برای ایجاد همبستگی میان اجزای مختلف کلام به کار رود، در فاصله دورتری از ریشه قرار می‌گیرد.

در زبان‌های ترکی، پیوندها به دو نوع عمده توصیفی و تصریفی قسمت می‌شوند. پیوندهای توصیفی به لحاظ اینکه نقش خود در داخل کلمه و در زمینه مفهوم جدید بخشیدن بر آن ایفا می‌کنند، از پیوندهای تصریفی که وظیفه ارتباط کلمه را با سایر اجزای کلام فراهم می‌سازند، بر ریشه نزدیک‌ترند. مسئله توالی پیوندها به حدود ریشه‌های توصیفی و توصیفی محدود مانده در میان اشکال هر یک از این دو نوع نیز رعایت می‌شوند.

۲/۵/۳ هماهنگی اصوات

خصوصیت بارز دیگر زبان‌های ترکی، هماهنگی و تطابق گروهی اصوات در این دسته از زبان‌هاست. اصوات یا آواها در زبان به‌عنوان عناصر بسیط تشکیل‌دهنده کلام دارای اهمیت و نقش اساسی هستند ولی چیزی که هست، اصوات در تشکیل کلمات و کلمات در انتخاب اصوات آزادی مطلق ندارند و هر کلمه نمی‌تواند مواضع صوتی خود را دل‌خواهی به هر صوتی بسپارد. در نتیجه در زبان‌های هر گروه، غالباً وجود یک نوع نظم و ترتیب و انضباط آوایی به چشم می‌خورد که از آن بنام ویژگی‌های صوتی آن گروه نام می‌برند و معمولاً هر تغییر و تبدیل صوتی در زبان از این نظم و ترتیب پیروی می‌کند. این امر در زبان‌های ترکی به شکل هماهنگی گروهی اصوات تظاهر می‌کند که از جنبه‌های خاص این زبان بوده و منظره صوتی ویژه‌ای به کلمات و الفاظ آن‌ها می‌بخشد.

به‌عنوان یک اصل، کلمات ترکی فقط می‌توانند حاوی حروف مصوت پیشین (E, İ, Ü, Ö) و یا پسین (A, O, U, I) باشند (مانند torun نوه و tören مراسم) و این حروف موجود در ریشه است که نوع حروف مصوت بعد خود را تعیین می‌کنند. مثلاً به حروف مصوتی که به دو ریشه el (دست) و at (اسب) پیوند شده‌اند توجه کنید: eller (دست‌ها)، ellerim (دست‌های من)، atlar (اسب‌ها)، atlarım (اسب‌های من)، atlarım (به اسب‌های من).

۲/۵/۴ کوتاهی مصوت‌ها

خصوصیت عمومی دیگر زبان‌های ترکی، کش‌دار نبودن اصوات مصوت رایج در این زبان‌ها است. منظور از کوتاه یا کشیده بودن یک صوت مصوت، فرق بین فاصله زمانی مابین شروع و پایان تلفظ آن است. به عبارت دیگر، وقتی یک مصوت به شکل انفجاری از حنجره خارج شود، شکل کوتاه و هرگاه به صورت کش‌دار ادا شود شکل کشیده آن را خواهد داشت. اصوات مصوت در هر زبان ممکن است از نوع کوتاه یا کشیده و یا ترکیبی از این دو باشند و حتی امکان دارد یک یا چند مصوت در یک زبان واجد هر دو شکل کوتاه و کشیده آن باشند. زبان‌های ترکی از نظر عمومی زبان‌های کوتاه مصوت به شمار می‌روند و باینکه در برخی از کلمات اصیل به علت رخدادهای صوتی و همچنین در یک رشته از لغات دخیل به اشکال کشیده مصوت‌ها می‌توان برخورد، باوجوداین، خصوصیت کوتاهی مصوت‌ها از وجوه تمایز این زبان‌ها بوده و یکی از لوازم بومی شدن لغات بیگانه این است که مصوت‌های کشیده آن‌ها به مصوت‌های کوتاه و متعارف تبدیل شوند.

۲/۵/۵ نبودن علامت جنس

زبان‌های ترکی، از نوع زبان‌های فاقد علامت جنس و حرف تعریف هستند. منظور از جنس در هر زبان تمایز شکلی اسامی مذکر و مؤنث از یکدیگر است. در گروهی از زبان‌ها، اسامی به دو نوع مذکر و مؤنث تقسیم می‌شوند و در برخی از آن‌ها حالت خنثی نیز وجود دارد. تعیین جنسیت کلمات در این نوع زبان‌ها معمولاً با افزودن پیوند یا پیشوندهای مخصوص جنس به آخر یا اول کلمات و یا با آوردن حرف تعریف در جلو اسامی مشخص می‌گردد. در زبان‌های ترکی جنسیت گرامری وجود نداشته و جنس هر اسم از مدلول آن معلوم می‌شود.

۲/۵/۶ تنوع و نظم افعال

زبان‌های ترکی از نظر وسعت و تنوع افعال از زبان‌های غنی محسوب می‌شوند. در این زبان‌ها افعال حالت انعطاف و استعداد فوق‌العاده‌ای به تصریف و پذیرش و مفاهیم و متنوع ابراز می‌دارند. جالب اینجاست که این انعطاف‌پذیری عموماً مبتنی بر نظم و قاعده است به‌طوری‌که زبان‌های ترکی از نظر تصریف افعال از باقاعده‌ترین زبان‌ها محسوب می‌گردند.

۲/۵/۷ ریتم (وزن)

زبان ترکی (همچون اسپانیایی و فرانسوی) یک زبان هجایی یا متکی بر سیلاب است. به عبارت دیگر الگوی ریتمی یا وزن حاکم بر اصوات و تلفظها، ادا کردن مجموعه هجاها با آهنگی یکنواخت و فاصله برابر است. یعنی تک تک هجاها به طور واضح و با فاصله مساوی نسبت به هم بر زبان جاری می شود:

A-teş-ol-ma-yan-ye-r-den-du-man-çık-maz (از جایی که آتش نباشد دود بلند نمی شود.) همان طور که ملاحظه می کنید جمله فوق را تقسیم هجایی کرده ایم و غرض نمایش این نکته این است که هجاها را باید جداگانه با طنین یکنواخت و واضح بیان کرد. اصولاً بسیاری از کلمات عربی و فارسی در زمان امپراتوری عثمانی به زبان ترکی استانبولی رخنه کرده اند و قطعاً تلفظ برخی از کلمات عاری از این تأثیرپذیری نبوده است از این نظر یادگیری آن برای فارسی زبانان مشکلی ایجاد نمی کند.

زبان های وابسته به یک گروه خویشاوند، ضمن دارا بودن جنبه ها و ویژگی های عمومی مشترک هر یک ویژگی های خاص خود را نیز دارند. این ویژگی ها که در حقیقت جهات و جنبه های متفاوت یک زبان از سایر زبان های هم گروه است، در تمام ساختمان زبان از اصوات بسیط گرفته تا جملات مرکب می تواند خودنمایی کند. ویژگی های خصوصی هر زبان را که در جریان تحول تاریخی زبان و تحت تأثیر مجموعه عوامل به وجود می آیند قبل از هر چیز باید در گرایش و تمایل طبیعی خود زبان جستجو کرد. نسبت دادن دگرگونی های تاریخی زبان صرفاً به تأثیر عوامل خارجی و نادیده گرفتن گرایش طبیعی زبان به معنی دست کم گرفتن خصلت دینامیکی زبان بوده و بیش از آنکه ما را به نتایج درست و منطقی هدایت کند به استنتاج های اشتباه آمیز غیرعلمی می کشاند.

به عنوان مثال می توان یادآور شد که اصوات خ و ق از اصواتی هستند که به طور فعال در کلمات زبان ترکی آذری شرکت می کنند ولی این حروف در ترکی استانبولی مخرج آوایی ندارند. حال اگر چنین تصور کنیم که این مخارج صوتی در ترکی آذری صرفاً در نتیجه مجاورت با این یا آن زبان ایجاد شده نظر خطایی را توجیه کرده ایم.

توضیح ویژگی های خصوصی هر زبان وقتی به شکل برجسته نمایان می شود که بر اساس مقایسه و تطبیق انجام گیرد. به این معنی که زبان مورد نظر با یک یا چند تا از زبان های هم گروه سنجیده شود تا در ضمن ویژگی های اخص آن بهتر نمایان گردد.

